

نظریه: نگاه جامعه‌شناس

ایران قوی چگونه ایرانی است؟

تصویری که از رویکرد بلوک قدرت، تحول طلبان و اصلاح جویان به مسئله اقتدار ایران می‌توان ارائه داد



حمیدرضا جلابی‌پور
استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

ایران کنونی ما ایرانی قوی نیست ایرانی است که با بحران‌های معیشتی (مثل رکود تورمی مزمن)، اجتماعی (مثل میلیون‌ها معتاد)، زیست محیطی (مثل ورشکستگی آبی در مناطق مرکزی و پر جمعیت ایران) و سیاسی (مثل کسری مشروعیت و وجود جامعه ناراضی و جنبش‌های اعتراضی) روبرو است. و متأسفانه چشم‌اندازی هم برای درمان این بحران‌ها فعلاً وجود ندارد و حتی اگر وجود داشت، زمان‌بر است و با تبلیغات و وعده‌های نیروهای سیاسی مردم‌انگیز «در» و «بر» حکومت درمان نمی‌شود. با این همه برای آینده ایران «ایده‌آل داشتن»، کار خوبی است و می‌تواند این ایده‌آل برای کنشگرانی که ایران را دوست دارند، مثل ستاره راهنما عمل کند تا به تدریج ایران از شرایط بحرانی کنونی به سوی شرایط «مطلوب‌تر» و «ایده‌آل‌تر» حرکت کند. می‌توان گفت هم برای اهالی بلوک قدرت، هم اهالی تحول‌طلب و هم اهالی اصلاح‌جو ' یک «ایران قوی» یک ایران ایده‌آل است. یعنی همه نیروها «ایران قدرتمند» را دوست دارند. اما هر کدام از این سه نیرو «ایران قوی» را به یک نحو تفسیر می‌کنند. من در این نوشته کوشش می‌کنم مشخصات این سه «ایران قوی» را توضیح دهم البته تأکید اصلی من ایران قوی در نزد اصلاح‌جویان است.

ایران قوی در نگاه اهالی بلوک قدرت

ایران قوی برای این بلوک یک ایران دموکراتیک نیست. زیرا دموکراسی محصولی غربی است و ریشه در شرق و ایران اسلامی ندارد. لذا ایران قوی کشوری است که حکومتش مجری احکام دینی باشد. البته اگر مردم از این حکومت دینی تبعیت نکنند عالی است ولی اگر جمعیت اهل سنت، دگراندیشان و شهروندانی که به جدایی نهاد دین و دولت اعتقاد دارند، از حکومت دینی تبعیت نکنند نباید تسلیم آن‌ها شد، بلکه باید کار فرهنگی کرد تا همه از حکومت دینی تبعیت کنند و اگر از این تبعیت تخطی کردند توسط نیروی قهریه باید کنترل و تأدیب شوند. ایران قوی یعنی ایران بتواند به لحاظ دفاعی خودکفا باشد. تمام نیازهای تسلیحاتی، موشکی، پهبادی و هسته‌ای را در داخل کشور تولید کند. و از اصل «دفاع پیشگیرانه» در حوزه‌های نفوذ ایران غافل نشود. ایران قوی ایرانی نیست که فقط به منافع ملی اتکا کند بلکه ایران قوی در جبهه مقاومت شرق (در کنار چین و روسیه و ...) و در برابر جبهه استکباری غرب به سرکردگی آمریکا قرار دارد. آمریکاستیزی و اسرائیل‌ستیزی بخشی جدایی‌ناپذیر از این ایران قوی است. ایران قوی ایرانی است که دانشگاه‌های علوم تجربی و طبیعی‌اش باید قوی باشد تا ایران در زیست‌شناسی-پزشکی، شیمی و فیزیک -مهندسی رشد کند. این دانشگاه‌ها از همه دنیا می‌توانند کمک بگیرند اما دانشگاه‌های علوم انسانی ایران که «دانش انتقادی» تولید می‌کنند چون ریشه غربی دارند باید در حاشیه قرار گیرند و به دنبال علوم انسانی دینی و بومی بروند. افراد این ایران دینشان باید همان دین تبلیغ شده از طریق صدا و سیما باشد، آن‌ها باید مطیع قلبی حکومت باشند و آماده برای جانباختن در راه گسترش حکومت دینی در حوزه نفوذ ایران باشند. افراد ایران در محل کار باید خوب کارکنند و در خانه هم باید به فکر زن‌ویچه خود باشند. حوزه عمومی و حوزه غیر حکومتی و حوزه نقد و بررسی مسائل عمومی کشور، نیاز اساسی جامعه نیست. در واقع جامعه مدنی در ایران قوی از انجمن‌ها، اصناف و سمن‌ها و پوش‌های جمعی داوطلبانه تشکیل نشده است. جامعه مدنی واقعی

و پرهزینه است. در منابع اصلی هویت‌ساز در ایران قوی اصلاح‌جویان هر سه منبع هویت‌ساز دینی، ملی و مدرن را بصورت بازاندیشانه می‌پذیرند و از هم‌زیستی همه اقشار با هویت‌های گوناگون ذیل حاکمیت قانون دفاع می‌کنند. ایران قوی یعنی شهروندان قوی و با نهادهای موثر که بتوانند نگاه بلندمدت و راهبردی نسبت به مسائل عمومی داشته باشد؛ با سازوکارهای دموکراتیک مثل پارلمان، رسانه، حزب و دادگاه بر زیاده‌روی حکومت مهار بزند؛ شهروند هم حق اعتراض بدون هزینه داشته باشد. ایران قوی یعنی ایران مبتنی بر حاکمیت قانون (قانونی که معایر حقوق بشر نباشد)؛ مبتنی بر انتخابات آزاد، دوره‌ای و سالم؛ مبتنی بر رقابت احزاب؛ رسانه‌های مستقل از حکومت؛ و نهادهای داوطلبانه (جامعه مدنی قوی) و بخش خصوصی مولد و مستقل از حکومت. در ایران قوی مطالبات شهروندان بصورت آزاد بیان می‌شود، تبیین می‌شود و نشر پیدا می‌کند؛ همه اقشار می‌توانند در حکومت نماینده داشته باشند؛ همه شهروندان می‌توانند نامزد شوند و رای دهند؛ اصل عدالت و برابری فرصت‌ها برای همه در این جامعه جاری است، خصوصاً عدالت جنسیتی؛ نقد امور نهادینه شده و سامان‌یابی جمعی آزاد هست. به بیان دیگر ایران قوی فقط موشک‌ش قوی نیست بلکه هم دولت و هم جامعه مدنی‌اش قوی است. امکانات حوزه عمومی ایران قوی بطور برابر بین زنان و مردان تقسیم شده. خلاصه ایران قوی را باید بر اساس خصیصه‌های پیش‌گفته بصورت مدنی، دموکراتیک، مشارکتی و عادلانه ساخت.

یک ارزیابی

نویسنده از ایران قوی بر اساس تفسیر اصلاح‌جویان دفاع می‌کند و چنین ایرانی را ستاره راهنمای خود قرار می‌دهد. زیرا ایرانی قوی که بلوک قدرت معرفی می‌کند فقط پانزده درصد شهروندان را در خود خودی جای می‌دهد و در چهار دهه گذشته، کشور را با جامعه‌ای ویرور کرده که با انواع بحران‌ها روبرو است (که در ابتدای نوشته اشاره شد). ایرانی هم که تحول طلبان معرفی می‌کنند دو اشکال دارد. یکی این‌که برای رسیدن به آن ما به انقلابی دیگر (چه انقلاب آرام یا انقلاب کلاسیک) نیاز داریم و در جریان انقلاب، ایران با بی‌دولتی و بی‌ثباتی بیشتر روبرو می‌کند. دوم این‌که تحول طلبان پایگاه اجتماعی و بلوک قدرت را نادیده می‌گیرند در صورتی‌که نیروهای مذهبی بخشی جدایی‌ناپذیر از ایران هستند و نمی‌شود و نباید آن‌ها را نادیده گرفت. هم‌زیستی همه اقشار جامعه چه مذهبی و چه غیرمذهبی و چه باحجاب، چه شل‌حجاب و چه بی‌حجاب شرط ضروری ایران قوی است که در تفسیر اصلاح‌جویان بهتر دیده شده است. البته تحقق آن به پیگیری و صبر مدنی نیاز دارد.

پی‌نوشت:

۱-روشن است منظور از اهالی «بلوک قدرت» کسانی هستند که در نهادهای انتصابی و انتخابی منابع عمومی و بوروکراسی‌ها متنوع حکومت را در دست دارند. منظور از «اصلاح‌جویان» فقط نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب نیست بلکه شامل تمام نیروهایی است که دموکراسی خواه و دنبال حکومت قانون‌اند و به کنگرشی خوشونت‌ناپرهیزانه متوسل نمی‌شوند. منظور از «تحول طلبان» شامل نیروهای دموکراسی خواهی است که از اصلاح در جمهوری اسلامی ناامیدند و به دنبال آلترناتیوی برای جمهوری اسلامی هستند.

۲-اسلام سیاسی یعنی آن اسلامی اصیل است که معتقد باشد مسلمان کسی که از حیث اسلامی معتقد به حکومت اسلامی بعنوان مجری احکام اسلامی باشد. گویی اعتقاد به اسلام سیاسی و حکومت اسلامی یکی از اصول دین است. از این منظر از دید طرفداران اسلام سیاسی دین‌آیه‌الله بروجردی مرجع اعلم شیعه در دهه سی و دین‌آیه‌الله سیستانی بعنوان یکی از مراجع شیعیان کنونی، محل اشکال هست.

ایران قوی در نگاه اصلاح‌جویان

قطعا ایران قوی باید بتواند در برابر حملات مخالفان تمامیت و یکپارچگی ایران از خود دفاع کند و به تأمین تسلیحات، موشک، پهباد با تکیه بر امکانات داخلی نیاز دارد. (ایران بدون توانایی برای برقراری امنیت ایران قوی نیست). اما ایران قوی فقط با قدرت نظامی ساخته نمی‌شود. ایران قوی به قدرت اقتصادی برای تأمین معاش هشتاد و پنج میلیون نیاز دارد. ایران قوی با شکاف طبقاتی و با تراکمی از آسیب‌های اجتماعی ایران قوی نیست. ایران قوی باید قادر باشد جلوی تخریب محیط زیست کشور را بگیرد. ایران قوی یک ایران با حکمرانی دموکراتیک است. و جمهوری اسلامی یک حکومت ترکیبی (مردمی-اقتدارگرا) است و نیازمند اصلاح هست. بوروکراسی دولت در ایران قوی مبتنی بر شایسته‌سالاری است و میان اندازه و حجم دولت با اندازه و حجم بخش خصوصی و بخش مدنی در جامعه تناسب هست. در شرایط فعلی جامعه ایران بدقواره هست و بخش حکومتی آن بر تعداد، حجم

چشم‌انداز: نگاه تحلیلگران ۱/

نه توافق نه بحران، یعنی بی‌برنامگی

نقدی بر رویکرد غرب به توافق هسته‌ای با ایران و پیشنهادهایی برای عبور از وضعیت موجود



هنری راوم

لویس داگیت گروس

تحلیلگران انستیتو واشنگتن/ منتشر شده در سایت هیل، ۲۹ مارس ۲۰۲۳

در محافل سیاسی غرب، رویکرد آمریکا در برابر ایران، اغلب در این شعار خلاصه می‌شود که «نه توافق، نه بحران» یعنی با پرهیز از یک توافق دیپلماتیک- که از نظر سیاسی (در داخل آمریکا) آسیب‌زا است- و با یک تشدید که ریسک نزاع را بالا ببرد، موضوع ایران را از میز کار جو بایدن دور نگه دارند. این یک طاب نازک و ضعیف است.

البته نصف این شعار، درست است. اکنون در واقع یک توافق هسته‌ای با ایران وجود ندارد و چشم‌اندازی هم برای آن نیست. در حال حاضر، در یک منطقه خاکستری قرار داریم: نه غرب و نه جمهوری اسلامی هیچ‌یک در پی توافق نیستند هر چند هیچ‌کدام هم نمی‌خواهند اعلام کنند که این توافق مرده است. اما نیمه دیگر این شعار، یک توهم است همانطور که رخدادهای هفته‌های گذشته (درگیری‌ها در سوریه) بر آن تأکید گذاشت. در یک نگاه وسیع‌تر، غرب اکنون در میانه یک بحران هسته‌ای در حال تشدید است. حتی اگر سیاستگذاران، تمایلی نداشته باشند که به آن اذعان کنند، ایران می‌تواند ظرف حدود دو هفته، اورانیوم کافی برای یک بمب هسته‌ای را غنی‌سازی کند و با توجه به رژیم کنونی بازرسی‌ها، شاید جامعه بین‌المللی وقتی خبردار شود که خیلی هم دیر باشد.

احتمالاً تهران به این برداشت رسیده که آزمایش‌های هسته‌ای که فراتر از خطوط قرمز غربی است و الزامات بین‌المللی را هم نقض می‌کند، مجازاتی در پی نخواهد داشت و شاید به این نتیجه برسد که تولید اورانیوم سطح تسلیحاتی نیز، احتمالاً با واکنش مشابهی روبرو شود. بی‌گمان تولید اورانیوم ۹۰٪ موجب می‌شود که اروپایی‌ها، سازوکار ماشه را در شورای امنیت دنبال کنند و به توافق ۲۰۱۵ پایان دهند. اما تهران، اکنون در قیاس با یک ماه پیش، کمتر نسبت به این پیامد، اطمینان دارد.

غرب عملاً به تهران این امکان را می‌دهد که مسیر کار را تعیین کند. یک رویکرد راهبردی تازه نیاز هست که دامنه کامل رفتارهای هسته‌ای و غیرهسته‌ای ایران را به حساب آورد، از جمله تهدید مستمر علیه نیروهای آمریکایی در منطقه. اما متأسفانه غرب نیاز می‌بیند که با توجه به وضعیت کنونی پیشرفت

های هسته‌ای ایران، تاکتیکی و کوتاه مدت فکر کند تا از وخامت بیشتر جلوگیری شود ضمن آنکه یک چشم‌هم‌به‌ایجاد بستر نیرومندتری برای گزینه‌های دیپلماتیک آینده دارد. دیپلماسی با ایران، همیشه از گذر ترکیبی از فشارهای جمعی و فزاینده (اقتصادی، سیاسی و نظامی) ممکن شده و غرب باید این چارچوب را بازآفرینی کند.

نخست، آمریکا و سه کشور اروپایی E۳ باید گام‌های دیپلماتیکی را برای جلوگیری از تحریمات هسته‌ای بیشتر ایران بردارند. در حالیکه شاید غرب تا به اینجا، ایران را از غنی‌سازی ۹۰ درصدی باز داشته باشد، اما نباید تصور کند که محاسبات ایران، سنجش‌هایی ایستا است. دولت‌های غربی باید با فراهم کردن شرایط حقوقی و سیاسی لازم، تعهد خود به چکاندن سازوکار ماشه را در صورت عبور ایران از آستانه غنی‌سازی ۹۰ درصد نشان دهند. توجهات انبوهی برای به جریان انداختن سازوکار ماشه وجود دارد و دولت‌های غربی باید گفتگو با دیگر اعضای شورای امنیت را برای تضمین بالاترین میزان حمایت آغاز کنند.



همچنین، دولت‌های غربی باید به روشنی به ایران تفهیم کنند که هرگونه پیکربندی اعلام نشده تازه در سانس‌تریفیوژها یا پس کشیدن از تعهداتش به آژانس هسته‌ای، به تشکیل جلسه فوق‌العاده شورای حکام خواهد انجامید. همینطور، آمریکا و غرب باید با انتشار یک بیانیه مشترک که بر استفاده از تمامی ابزارهای لازم برای جلوگیری از توسعه سلاح هسته‌ای توسط ایران تأکید می‌گذارد، اعتبار گزینه نظامی را تقویت کنند. آمریکا باید تحریم‌های صادرات انرژی ایران را جدی‌تر اجرا کند. واشنگتن بسامد اعلام تحریم‌ها را در هفته‌های اخیر، افزایش داده و این مسیر باید حفظ شود تا فروش‌های نفتی ایران سخت‌تر شده و نیز رژیم دشوارتر بتواند بعنوان تاکتیکی برای جلوگیری از سقوط بازهم بیشتر زبال، ادعا کند که توافق هسته‌ای نزدیک است. این گام‌ها بویژه برای مقابله با این ایده ضرورت دارد که توافق با عربستان، توانسته انرژی رژیم را کاهش دهد. همچنین، اجماع جهانی، پیوسته یک عامل بنیادین در گفتگوی موفق با ایران بوده است. سه کشور اروپایی باید به دولت‌های منطقه روی بیاورند تا برای مسکو و پکن پیام‌هایی را فرستاده، تا ایران را از تشدید بیشتر هسته‌ای بر حذر بدارند. اسرائیلی‌ها، اماراتی‌ها و سعودی‌ها، روابط کاری بهتری با پکن و مسکو دارند.

سرانجام اینکه، آمریکا و اروپا باید بروی این احتمال هم حساب کنند که ایران نمی‌خواهد بطور کامل طرد شود همانطور که توافق با سعودی‌ها و همکاری فزاینده با روسیه و چین هم نشان داد. به این منظور، غرب باید چشم‌انداز دیپلماسی را حفظ کند- و نه تنها بر کاهش پیامدهای منفی بلکه بازنگه داشتن درها برای پیامدهای مثبت هم تمرکز کند. در حال حاضر چندان چشم‌اندازی برای احیای برجام با یک توافق کوچکتری غیررسمی وجود ندارد؛ اما مهم است که به ایران علامت داده شود که «راهی برای خروج از این وضعیت» وجود دارد. آمریکا و اروپا باید پارامترهای مشترکی را برای یک مسیر دیپلماتیک جایگزین تدوین نمایند تا چنانچه در آینده زمینه‌ای فراهم شد، آماده باشند.

در ماه‌های اخیر، سیاست‌های غرب با هدف پرهیز از یک بحران، ریسک شعله کشیدن آن را افزایش داده چرا که موجب شده ایران احساس کند می‌تواند دست به تشدید بزند و مجازات هم نشود. در این میان، تهران در حال تحکیم روابط با قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای است تا تلاش‌ها برای انزواپس را تضعیف کند و غرب هم واکنش محدودی به این تحولات داشته است. آمریکا و اروپا باید ابتکاری را برای پرهیز از ورود چشم‌پسته به یک تشدید عمده، ارائه دهند.